

# نگرش نسبت به پیامدهای طلاق و تأثیر آن بر تمایل زوجین جوان به طلاق در شهر تهران

رسول صادقی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۶/۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۷/۲۵

پیامدهای طلاق و ارزیابی افراد از زندگی‌های بعد از طلاق می‌تواند تمایل جوانان به طلاق را تحت تأثیر قرار دهد. هدف مقاله حاضر آزمون این فرضیه است: هرچه نگرش و تصور از پیامدهای طلاق مثبت باشد، تمایل و گرایش جوانان به طلاق افزایش خواهد یافت. برای آزمون این فرضیه از داده‌های پیمایش طلاق جوانان که در سال ۱۳۹۳ از ۷۲۰ جوان متأهل در شهر تهران گردآوری شد، استفاده گردیده است. نتایج بررسی نشان داد حدود یک پنجم جوانان متأهل مورد بررسی تمایل زیادی به گرفتن طلاق دارند. این افراد عمدتاً تصور و ارزیابی مثبتی از پیامدها و زندگی بعد از طلاق دارند. نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد که علاوه بر شاخص نگرش نسبت به پیامدهای طلاق، متغیرهایی نظیر میزان دینداری، وضعیت اشتغال، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و جنسیت تأثیر معناداری بر میزان تمایل جوانان به طلاق داشته‌اند. بطور کلی، این متغیرها حدود یک سوم واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند و در این میان، اثر نگرش و تصور پیامدها و زندگی بعد از طلاق، قوی‌تر از سایر متغیرها بوده است. بدین ترتیب، اینکه زوجین جوان چه تصور و نگرشی نسبت به پیامدها و زندگی بعد از طلاق داشته باشند، می‌تواند تصمیم‌گیری آنها برای طلاق را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. از این رو، آگاه‌سازی جوانان نسبت به پیامدهای طلاق و مسائل و مشکلات بعد از طلاق می‌تواند در کاهش تمایل آنها به طلاق اثرگذار باشد.

**واژگان کلیدی:** پیامدهای مثبت طلاق، پیامدهای منفی طلاق، آسیب‌های اجتماعی، تمایل به طلاق و

جوانان

خانواده به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی همواره در طول تاریخ و در همه جوامع از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار بوده است. نظام اجتماعی و اخلاق آرمانی همواره در صدد حفظ رویکردی محافظه‌کارانه نسبت به این نهاد بوده است، اما با وجود همه تلاش‌ها و رهیافت‌های محافظه‌کارانه نسبت به این نهاد، خانواده طی یک قرن اخیر در بسیاری از جوامع، با تفاوت‌های زمانی، تغییرات ساختاری، کارکردی و معنایی ژرف و گسترده‌ای را تجربه کرده است (محمدپور و همکاران، ۱۳۸۸). یکی از ابعاد تغییرات خانواده، افزایش میزان‌های طلاق است. امروزه، در ایران پدیده طلاق و افزایش میزان‌های آن در میان جوانان تبدیل به یک مسئله اجتماعی شده است. در حال حاضر، نه تنها سن ازدواج بالا رفته و از عمومیت ازدواج کاسته شده، بلکه خانواده هم آسیب پذیرتر شده و ازدواج‌ها بیشتر در معرض طلاق قرار گرفته است. بر این اساس، درک نگرش جوانان نسبت به پیامدهای اجتماعی طلاق و ارتباط آن با تمایل و گرایش آنها به طلاق می‌تواند روزنه و زوایای جدیدی از روند افزایشی طلاق و بسترهای آن را در سال‌های اخیر فرا روی محققان و سیاستگذاران بگشاید. در این راستا، هدف از این مقاله پاسخ به این دو پرسش است:

- جوانان چه نگرش و تصویری از طلاق و پیامدهای اجتماعی آن در جامعه ایران دارند؟
- نوع نگرش و تصور آنها از پیامدهای اجتماعی طلاق چگونه و تا چه اندازه تمایل آنها را به طلاق تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؟

افزایش میزان طلاق بُعد جهانی داشته و علاوه بر جوامع غربی، در سایر جوامع نیز از گستره و شتابی چشمگیر برخوردار بوده است (گود ۱۹۶۳؛ گست ۱۹۹۲؛ تورنتون و لین ۱۹۹۴؛ جونز ۱۹۹۷؛ هیتون و همکاران ۲۰۰۱؛ تورنتون ۲۰۰۱ و ۲۰۰۴؛ ریجکن و لیفبرور ۲۰۱۲؛ لیوولد ۲۰۱۶) - گرچه گاهی به‌علت تفاوت‌های میان‌فرهنگی، این تغییرات با شدت و ضعف همراه بوده است. در جامعه ایران، از دیرباز تشکیل، پایداری و استحکام خانواده به لحاظ اجتماعی و مذهبی همواره مورد تشویق و تأکید بوده و در فرهنگ ایرانیان، بی‌ثباتی کانون خانواده مقبولیت فرهنگی چندانی نداشته است (صادقی و آقاجانیان، ۲۰۱۷). با این حال، نرخ طلاق در سال‌های اخیر رو به افزایش بوده است؛ چنان‌که بررسی داده‌های ثبتی بیانگر روند افزایشی طلاق از سال ۱۳۷۵ به بعد در ایران است. برای مثال، در دو دهه اخیر میزان تعدیل شده طلاق<sup>۱</sup>، از

---

1. Refined divorce rate

۳/۲ در هزار در سال ۱۳۷۵ به ۷/۷ در هزار زن متأهل در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. همچنین، در سال های اخیر بیشترین درصد طلاق ها در دوره جوانی بوده است. علاوه بر این، بررسی ساختار سنی افراد دارای وضعیت طلاق در سرشماری های اخیر جمعیتی نشان می دهد که حدود یک چهارم جمعیت مطلقه کشور، جوانان هستند (صادقی، ۱۳۹۵).

امروزه طلاق به عنوان یک اپیدمی تهدیدکننده مفهوم بندی می شود که هم دال بر آسیب فردی و هم گسیختگی وسیع اجتماعی، خانواده و ارزش های مرتبط با آن می باشد (سندفیلد، ۲۰۰۶). آسیب شناسان اجتماعی بر این باورند که پس از جدایی والدین، مسائل روحی و روانی متعددی برای فرزندان ایجاد می شود. بدبینی بچه های طلاق به آینده و پیرامون خود، کاهش اعتماد به نفس و افزایش احتمال خودکشی، اختلالات روانی مانند فقدان ثبات هیجانی و عاطفی، افسردگی، گوشه گیری و انزوا، بروز رفتارهای پرخاشگرانه، اختلال در فرآیند جامعه پذیری، فشار روانی زیاد، احساس حقارت نسبت به سایر دوستان از جمله این آسیب ها می باشد (کاوه، ۱۳۹۱). بنابراین، پدیده طلاق و اختلافات زناشویی دارای عوارض و پیامدهایی است که از دیرباز آن را به عنوان یک مسئله اجتماعی مطرح ساخته است. وجود اختلاف در خانواده و نتایجی که گریبانگیر خود همسران، فرزندان آنها و جامعه بزرگتر خواهد شد، بزهکاری نوجوانان، رها کردن تحصیل، اعتیاد، و بسیاری دیگر از آسیب های فردی و اجتماعی را در پی خواهد داشت (سفیری و محرمی، ۱۳۸۸).

بدین ترتیب، طلاق به عنوان یک مسئله اجتماعی می تواند زمینه بروز بسیاری از مسائل و پیامدهای متفاوت و حتی زمینه بروز بسیاری از آسیب های اجتماعی دیگر را در سطوح فردی و اجتماعی فراهم آورد. از یک سو، این آثار و پیامدها می تواند ناشی از شرایط پیرامونی و ننگ طلاق باشد و از سوی دیگر، پیامدهای طلاق و ارزیابی افراد از زندگی های بعد از طلاق می تواند نگرش و گرایش جوانان به طلاق را تحت تأثیر قرار دهد.

### **پیشینه پژوهش**

آماتو (۱۹۹۵) در بررسی تطبیقی زنان و مردان مطلقه هند و آمریکا دریافت که زنان (هندی و آمریکایی) پس از طلاق بیشتر از مردان از مشکلات اقتصادی، عاطفی و حمایت اجتماعی رنج می برند، اما وضعیت زنان هندی، پس از طلاق در مقایسه با همتایان آمریکایی شان بسیار بدتر است. وی دلیل این تفاوت را وابستگی اقتصادی زنان به مردان، وجود خانواده های گسترده و باورهای فرهنگی خاص در مورد ازدواج و

زنان در هند بر شمرده است. لورنز<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۶) با مطالعه آثار کوتاه‌مدت و بلندمدت طلاق بر زنان به این نتیجه رسیدند که زنان مطلقه نسبت به زنان متأهل به طور معناداری در سال‌های اول بعد از طلاق سطوح بالاتری از فشار و پریشانی روانی و در یک دهه بعد سطوح بالاتری از بیماری را تجربه می‌کنند. همچنین، این زنان سطوح بالاتری از حوادث پراسترس زندگی که در نهایت به افسردگی منجر می‌شود را تجربه می‌کنند.

کالمیجن و یونک<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) در مطالعه تفاوت‌های منطقه‌ای و پیامدهای اجتماعی طلاق در اروپا به آزمون فرضیه ننگ پرداختند. این مطالعه نشان داد در مناطقی که عدم پذیرش طلاق بیشتر است، زنان بعد از طلاق با محدودیت‌های بیشتری در تماس با دوستان و خویشاوندان و همسایگان مواجه هستند. اثرات ننگ طلاق برای افرادی که طلاق گرفته‌اند و جابجایی مکانی بعد از طلاق نداشته‌اند، بیشتر است.

ریجکن و لیفبرور<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) در بررسی دیدگاه اروپایی‌ها نسبت به طلاق نشان دادند که نگرش موافق با طلاق والدین با فرزندان زیر ۱۲ سال در کشورهایی که فقر خانوارهای تک‌والد زیاد است، کمتر می‌باشد. در مقابل، در کشورهایی که فقر در میان خانوارهای تک‌والد کمتر است و خدمات مراقبت از کودک بیشتر است، نگرش موافق‌تری نسبت به طلاق دارند. لیوپلد<sup>۴</sup> (۲۰۱۶) در مطالعه تفاوت‌های جنسیتی پیامدهای طلاق نشان داد که هرچند مردان در کوتاه مدت، کاهش در شاخص‌های ذهنی بهزیستن بعد از طلاق را نشان می‌دهند، اما پیامدهای طولانی‌مدت طلاق به‌ویژه در حوزه مالی و اقتصادی برای زنان بیشتر است.

اخوان تفتی (۱۳۸۲) در مطالعه پیامدهای طلاق در گذار از مراحل آن نشان داد که آسیب‌پذیری زنان از پیامدهای اجتماعی طلاق بیشتر بوده است. مشکلات اقتصادی تأثیر مشابهی بر زنان و مردان داشته، اما نگرانی زنان از آینده اقتصادی خود و در مورد فرزندان و گفته مردم بیش‌تر از مردان بوده است. صلاحی (۱۳۸۴) در بررسی تبعات فردی و اجتماعی طلاق بیان می‌کند که طلاق از لحاظ روانی فرد را دچار بحران‌هایی شدید می‌کند. زن و مرد هر دو از این پدیده اثر می‌پذیرند، اما زنان در مقابل این پدیده آسیب بیشتری می‌بینند و این آسیب به خصوص در زنانی که فرزند دارند بیشتر است. بسیاری از خانواده‌ها زن مطلقه را نمی‌پذیرند و زمینه‌ساز به انحراف کشیده شدن او می‌شوند- فرد در این حالت از حمایت خانواده محروم می‌شود. وضعیت کار و اشتغال پس از طلاق برای زنان بسیار دشوار می‌شود؛ باورهای غلط اجتماع و بستگان،

- 
1. Lorenz
  2. Kalmijn and Uunk
  3. Rijken and Liefbroer
  4. Leopold

مزاحمت در محیط کار و فشارهای بعدی خانواده همسر و خود همسر برای بازگشت و تهدید از سوی همسر سابق جزو موارد ناخوشایندی است که در انتظار فرد می باشد. برای مرد نیز طلاق بحران های فردی و اجتماعی خاصی ایجاد می کند؛ تشکیل زندگی مشترک برایش ساده نخواهد بود و خانواده همسر دوم همواره به طلاق او به عنوان نکته ابهام نگاه می کنند. در صورتی که فرد پس از مدت کوتاهی وارد زندگی جدید شود، فشارهای ناشی از زندگی قبلی را با خود به همراه می برد و کوچکترین مشابهت میان نقاط ضعف همسر فعلی و قبلی زندگی را دچار تنش می کند.

ریاحی و همکاران (۱۳۸۶) در تحلیل جامعه‌شناختی طلاق در شهرستان کرمانشاه نشان می‌دهند که نیمی از پاسخگویان گرایش متوسطی به طلاق داشته‌اند، در حالی که نزدیک به ۹ درصد از آنها دارای گرایش قوی به طلاق بوده‌اند. تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که متغیرهایی نظیر میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر (به شکل مستقیم)، میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق و دخالت دیگران در زندگی زوجین (به شکل مستقیم و غیرمستقیم) و متغیرهای تفاوت سنی، تفاوت تحصیلی و تفاوت عقاید همسران (به شکل غیرمستقیم از طریق تأثیر بر میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر) بر میزان گرایش به طلاق تأثیر داشته‌اند. مطالعه فاتحی دهاقانی و نظری (۱۳۸۹) نیز نشان داد که میزان دخالت اطرافیان در زندگی زوجین، تفاوت منزلت بین زوجین، رضایت از زندگی زناشویی و تصور مثبت از پیامدهای طلاق به شکل مستقیم بر میزان گرایش به طلاق تأثیر داشته‌اند.

شیخی و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای کیفی به کندوکاو درک معنایی طلاق و کشف پیامدهای مثبت آن پرداختند. نتایج نشان داد که بازیابی استقلال، رهایی از قید حیات ناجور و گسترش فردگرایی از جنبه‌های مثبت طلاق می باشد. کلاتری و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه مرور نظام‌مند تحقیقات انجام شده در حوزه آثار و پیامدهای طلاق، نشان دادند که نه تنها طلاق می‌تواند باعث صدمه به سرمایه انسانی و اقتصادی افراد شود، بلکه در تحلیلی حساس به جنسیت، می‌تواند مانع نقش‌آفرینی زنان در فرایند توسعه و در نتیجه به حاشیه راندن و استثمار زنان شود. در همین زمینه، زارعی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه کیفی درک تجارب پس از طلاق در میان زنان در شهر تهران، به مقوله‌ای با عنوان "پذیرش اجتماعی" دست یافتند که نشان می‌دهد پذیرش زن در جامعه مبتنی بر وضعیت تأهل تفسیر می‌شود. همچنین، مهمترین دغدغه زنان در این مطالعه، ناپذیرا بودن و به حاشیه رانده شدن زن مطلقه است.

بدین ترتیب، مطالعات مختلف نشان می‌دهد که طلاق به معنای پایان مسائل و مشکلات زندگی نیست و بعد از طلاق، آسیب‌ها و مسائلی فراروی افراد طلاق گرفته به ویژه زنان قرار می‌گیرد. این مسائل و آسیب

ها در جوامعی که طلاق کمتر مورد پذیرش است و نوعی ننگ طلاق وجود دارد، بیشتر است. نکته‌ای که در مطالعات قبلی کمتر مورد توجه بوده، این است که تصور و برداشت افراد از زندگی بعد از طلاق و پیامدهای اجتماعی طلاق چه تأثیری می‌تواند بر تمایلات آنها به طلاق داشته باشد- موضوعی که در این مقاله بدان پرداخته می‌شود.

## چارچوب نظری پژوهش

در زمینه پیامدهای اجتماعی طلاق، سه رویکرد تئوریک وجود دارد:

- فرض می‌کند که طلاق فقط منجر به از بین رفتن روابط زناشویی (با همسر قبلی) می‌شود و تأثیری بر سایر حوزه‌های زندگی ندارد؛
- بر این باور است که طلاق صرفاً پایان ساده یک زندگی متأهلی نیست، بلکه منجر به ایزوله شدن و کناره‌گیری از افرادی می‌شود که در بستر زندگی متأهلی با آنها در ارتباط بوده است. در این چارچوب، طلاق، طبق فرضیه داغ ننگ<sup>1</sup>، شبکه اجتماعی و ارتباطات اجتماعی افراد را محدود می‌کند؛
- بیان می‌کند که افراد بعد از طلاق فعالانه به دنبال بازسازی شبکه‌هایشان و ساختن زندگی جدید بعد از طلاق می‌باشند (کالمیجن و یونک، ۲۰۰۷)

درباره تصورات افراد از پیامدهای طلاق و اثرات آن بر تمایل به طلاق می‌توان به نظریه دورکیم اشاره کرد. امیل دورکیم، نظریه‌پرداز مشهور جامعه‌شناسی، نخستین کسی بود که در مقاله‌ای با عنوان "تصورات فردی و تصورات جمعی" معتقد است که تصورات فردی باید به عنوان مقوله‌ای روانی در نظر گرفته شود. انسان در دنیایی که زندگی می‌کند، با اشیاء، قوانین، آیین‌ها، اصول، افراد و غیره تماس و برخورد دارد. این برخوردها، برداشت‌هایی را برایش به همراه می‌آورد و غالباً از چیزهای پیرامونش برداشت‌هایی یکسان (از نظر کمیت و کیفیت) ندارد. تصور برآمده از این چیزها، از شخصی به شخص دیگر و حتی در یک شخص، از زمانی به زمان دیگر فرق می‌کند. عوامل تغییر، گوناگون است. این عوامل، فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و در بعضی مواقع نهادی است. چیزی که انسان برداشت می‌کند، نه یک تصویر ساده، بلکه یک تصور است، زیرا تصویر، بیشتر یک برداشت سریع خود به خودی و تأثیری است؛ در حالی که تصور، فرم و حالتی معنادار است که یک فاعل با توجه به ویژگی‌های روانی و فرهنگی خود از چیزی

---

<sup>1</sup>. Stigmatization hypothesis

می‌سازد. به گفته آلن تورن (۲۰۰۰) چیزی که ما می‌بینیم، نه یک موضوع که نگاه به یک موضوع است؛ یعنی ممکن است که با واقعیت موضوع تطابق نداشته و بخشی از موضوع باشد، چون آن نگاه و برداشت، تصور است. از آنجا که فاعل‌ها یکسان نیست - یعنی افکار و فرهنگ انسان‌ها یکسان نیست و به عبارتی، سرمایه‌های فرهنگی انسان‌ها همانند نیست - پس تصور چیزی خاص، از فردی به فرد دیگر فرق می‌کند. به همین ترتیب، قاعدتاً تصور یک چیز، از یک طبقه به طبقه دیگر فرق می‌کند. زمانی که ما با محیط اطراف خود ارتباطاتی برقرار کردیم، به دنبال آن، ارتباطات تصورات اجتماعی را می‌سازد و سپس، تصورات اجتماعی، روابط بین انسان‌ها را هدایت می‌کند. در واقع، هر تصویری، رفتاری را در پی خواهد داشت. تصورات، چگونگی ارتباطات ما را نیز کنترل و هدایت می‌کند. به این ترتیب، تصوراتی که انسان‌ها از پیامدهای طلاق دارند نیز با یکدیگر متفاوت است. پیامدهای طلاق از نظر برخی بسیار ناگوار و از نظر برخی دیگر چندان هم ناگوار نیست. این تصور گرایش هر فرد را به طلاق، متفاوت از دیگری تعیین می‌کند (فاتحی دهاقانی و نظری، ۱۳۸۹: ۲۹).

از این رو، از این دیدگاه این فرضیه مطرح می‌شود که هرچه تصور منفی از پیامدهای طلاق وجود داشته باشد، نگرش و گرایش به طلاق کمتر خواهد بود. در مقابل، تصور مثبت از پیامدهای طلاق، تمایل به طلاق را افزایش می‌دهد. شکل ۱، مدل مفهومی و نظری تحقیق را نشان می‌دهد. بر این اساس، نگرش و تصور افراد از پیامدهای طلاق می‌تواند بطور مستقیم بر تمایل به طلاق اثرگذار باشد - هرچند این اثرگذاری می‌تواند تا حدودی توسط عوامل اجتماعی و جمعیتی تعدیل شود.

### نگرش منفی به پیامدهای طلاق

#### ○ اجتماعی

(عدم امنیت اجتماعی، پیشنهاد و سوء استفاده جنسی، احتمال پایین ازدواج مجدد، گسترش آسیبهای اجتماعی، عدم پذیرش اجتماعی، به مخاطره افتادن آبرو و حیثیت)

شکل ۱: مدل مفهومی و نظری نحوه اثرگذاری نگرش و تصور پیامدهای طلاق بر تمایل به طلاق

### روش شناسی پژوهش

روش تحقیق این مقاله، کمی و پیمایشی است. داده‌های مورد نیاز با استفاده از ابزار پرسشنامه و اجرای پیمایش نمونه‌ای در شهر تهران از تعداد ۷۲۰ جوان دارای همسر ۱۵ تا ۳۰ سال در سال ۱۳۹۳ گردآوری شد. برای انتخاب نمونه از شیوه نمونه‌گیری چندمرحله‌ای استفاده شد؛ بدین صورت که ابتدا با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای، ۸ منطقه شهری تهران شامل مناطق ۱، ۲، ۵، ۶، ۹، ۱۳، ۱۵، و ۱۹ که در خوشه‌های مختلف توسعه‌ای قرار دارند انتخاب شدند. سپس، در درون هر منطقه، به صورت تصادفی دو محله و در درون هر محله، سه بلوک به صورت تصادفی انتخاب و در درب منازل با نمونه واجد شرایط، توسط ۱۰ پرسشگر آموزش دیده مصاحبه به عمل آمد و پرسشنامه‌ها تکمیل گردید. از میان ۷۲۰ نمونه مورد بررسی از جوانان متأهل شهر تهران، حدود ۴۴ درصد را مردان و ۵۶ درصد را زنان تشکیل می‌دادند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۷ سال و بیشتر آنها (۷۵ درصد) در گروه سنی ۲۵-۲۹ سال قرار داشتند.



متغیر مستقل تحقیق، "نگرش و تصور از پیامدهای طلاق" است که با استفاده از ۱۶ گویه سنجش شده و مقدار آلفای کرونباخ آن ۰/۸۵ به دست آمد. این گویه‌ها دو بُعد نگرش و تصور مثبت و منفی را شامل می‌شود. تصورات منفی از پیامدهای طلاق با استفاده از ۱۲ گویه شامل "مردم نگاه و برخورد منفی و نامناسبی با افراد طلاق گرفته دارند"، "بعد از طلاق، افراد به لحاظ روحی و روانی آسیب پذیر می‌شوند"، "بعد از طلاق، افراد تنها و منزوی می‌شوند"، "طلاق باعث لطمه خوردن به آبروی خانوادگی می‌شود"، "طلاق منجر به افزایش آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی می‌شود"، "طلاق آینده فرزندان را به مخاطره می‌اندازد"، "هر چه طلاق بیشتر باشد، جامعه ناسالم‌تر خواهد بود"، "برای فرد طلاق گرفته تهیه و تأمین مسکن مناسب مشکل است"، "هرکسی به خودش اجازه می‌دهد به زن مطلقه پیشنهاد بی‌شرمانه دهد"، "بعد از طلاق مشکلات اقتصادی در تأمین هزینه‌های زندگی بیشتر می‌شود"، و "بعد از طلاق، امنیت اجتماعی زنان در جامعه به خطر می‌افتد"، و "بعد از طلاق، احتمال ازدواج مجدد خیلی کم است" می‌شود. در مقابل، ابعاد مثبت زندگی بعد از طلاق با استفاده از ۴ گویه "طلاق باعث رهایی و آزاد شدن می‌شود"، "طلاق باعث بازگشت آرامش به فرد می‌شود"، "طلاق باعث ساختن زندگی جدید خوب و شاد می‌شود"، و "طلاق باعث آزادی عمل و استقلال فردی می‌شود" سنجش شده است.

متغیر وابسته تحقیق "تمایل به طلاق" است که بر اساس ۱۰ گویه ساخته شده و مقدار آلفای کرونباخ آن ۰/۹۳ است. این گویه‌ها شامل "طلاق یک مرحله از زندگی است که برای من هم ممکن روزی رخ دهد"، "طلاق را یک امر محتمل در زندگی می‌دانم"، "حتی اگر شده از حق و حقوقم هم بگذرم، روزی طلاق بگیرم"، "حاضرم طلاق بگیرم، حتی اگر نتوانم دوباره ازدواج کنم"، "حتی اگر والدینم مرا طرد کنند، بازهم طلاق بگیرم"، "می‌خواهم طلاق بگیرم، حتی اگر شده از بچه‌هایم جدا شوم"، "هیچ‌امیدی به درست شدن این زندگی ندارم و به طلاق فکر می‌کنم"، "احساس می‌کنم ازدواجم اشتباه بوده و روزی از همسرم جدا می‌شوم"، "احساس می‌کنم که اگر از همسرم جدا شوم، زندگی بهتر خواهد شد"، و "اگر مجبور نبودم حتی یک لحظه هم حاضر نبودم در این زندگی بمانم" می‌باشند.

علاوه بر اینها، متغیرهای جمعیتی سن، جنسیت، تحصیلات، وضعیت اشتغال، وضعیت مالی و اقتصادی خانوار در بررسی تأثیر تصور از پیامدهای طلاق بر تمایل به طلاق به عنوان متغیرهای کنترل استفاده شده است. در تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری توصیفی و تحلیل عاملی و آزمون رگرسیون چندمتغیری استفاده شده است.

## یافته‌های پژوهش

### • نگرش و تصور نسبت به پیامدهای اجتماعی طلاق

تصور پیامدهای اجتماعی طلاق و زندگی بعد از طلاق، یکی از بسترهای شکل‌گیری نگرش تمایل افراد به طلاق است.

جدول ۱: توزیع درصدی نظرات پاسخگویان پیرامون پیامدهای اجتماعی و زندگی بعد از طلاق

تعداد نمونه	کاملاً مخالف	مخالف	بی‌نظر	موافق	کاملاً موافق	تصور از پیامدها و زندگی بعد از طلاق
۷۱۶	۲/۰	۱۲/۶	۱۸/۲	۴۰/۹	۲۶/۴	مردم نگاه و برخورد منفی و نامناسبی با افراد طلاق گرفته دارند
۷۱۹	۰/۱	۵/۰	۱۲/۵	۵۰/۳	۳۱/۲	بعد از طلاق، افراد به لحاظ روحی و روانی آسیب پذیر می‌شوند
۷۱۸	۱/۹	۹/۳	۲۶/۲	۳۵/۹	۲۶/۶	بعد از طلاق، افراد تنها و منزوی می‌شوند
۷۱۸	۴/۹	۲۱/۷	۲۲/۱	۲۵/۸	۲۵/۵	طلاق باعث لطمه خوردن به آبروی خانوادگی می‌شود
۷۱۷	۲/۸	۱۰/۶	۲۷/۲	۳۶/۳	۲۳/۲	طلاق منجر به افزایش آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی می‌شود
۷۱۹	۲/۲	۵/۰	۱۱/۰	۳۴/۹	۴۶/۹	طلاق آینده فرزندان را به مخاطره می‌اندازد
۷۲۰	۱/۵	۶/۳	۱۶/۹	۳۲/۲	۴۳/۱	هر چه طلاق بیشتر باشد، جامعه ناسالم‌تر خواهد بود
۷۱۶	۲/۴	۱۲/۶	۲۴/۹	۳۲/۴	۲۷/۸	برای فرد طلاق گرفته تهیه و تامین مسکن مناسب مشکل است
۷۱۸	۲/۶	۱۱/۰	۲۸/۳	۳۰/۸	۲۷/۳	بعد از طلاق مشکلات اقتصادی در تأمین هزینه‌های زندگی بیشتر می‌شود
۷۱۹	۲/۱	۵/۷	۱۹/۳	۳۹/۲	۳۳/۷	بعد از طلاق، امنیت اجتماعی زنان در جامعه به خطر می‌افتد
۷۱۶	۳/۹	۲۱/۸	۳۱/۰	۳۰/۰	۱۳/۳	بعد از طلاق، احتمال ازدواج مجدد خیلی کم است
۷۱۶	۶/۴	۱۳/۷	۲۳/۵	۳۳/۰	۲۳/۵	هرکسی به خودش اجازه می‌دهد به زن مطلقه پیشنهاد بی‌شرمانه دهد
۷۱۸	۱۴/۸	۳۵/۷	۲۵/۶	۱۵/۶	۸/۴	طلاق باعث رهایی و آزاد شدن می‌شود
۷۱۸	۱۳/۰	۳۸/۴	۲۸/۷	۱۳/۲	۶/۷	طلاق باعث بازگشت آرامش به فرد می‌شود
۷۱۹	۱۳/۹	۳۶/۹	۳۲/۷	۹/۰	۷/۵	طلاق باعث ساختن زندگی جدید خوب و شاد می‌شود
۷۱۹	۱۳/۹	۳۵/۷	۳۰/۲	۱۲/۲	۷/۹	طلاق باعث آزادی عمل و استقلال فردی می‌شود

بر اساس یافته‌های جدول ۱، حدود ۶۷ درصد پاسخگویان معتقدند که مردم نگاه و برخورد منفی با افراد طلاق گرفته دارند. حدود ۸۱ درصد پاسخگویان اظهار کرده‌اند که بعد از طلاق افراد نسبت به مسائل روحی و روانی آسیب‌پذیرتر می‌شوند. همچنین، حدود ۶۲ درصد آنان موافق‌اند که افراد بعد از طلاق تنها و منزوی می‌شوند. بیش از ۵۱ درصد پاسخگویان اعتقاد دارند که طلاق به آبرو و حیثیت خانوادگی افراد لطمه وارد می‌سازد. حدود ۵۹ درصد جوانان بر این باورند که طلاق موجب افزایش آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی در جامعه می‌شود. به علاوه، ۸۲ درصد جوانان مورد بررسی معتقدند که طلاق آینده فرزندان را

به مخاطره می‌اندازد. حدود سه چهارم پاسخگویان موافق این قضیه بودند که هرچه طلاق در جامعه بیشتر شود، جامعه ناسالم‌تر می‌گردد. همچنین، حدود ۶۰ درصد پاسخگویان بر این باور بودند که تهیه و تأمین مسکن برای فرد طلاق گرفته مشکل است. ۵۸ درصد زندگی‌های بعد از طلاق را با فشار اقتصادی همراه و تأمین هزینه‌های زندگی را دشوار می‌دانند. به علاوه، ۷۴ درصد جوانان بر این باورند که بعد از طلاق، امنیت اجتماعی زنان در جامعه به خطر می‌افتد و حدود ۶۰ درصد نیز بر این باورند که بعد از طلاق هر کسی به خودش اجازه می‌دهد که به زن مطلقه پیشنهاد بی‌شرمانه دهد.

از دیگر نکات قابل تأمل در جدول ۱ این است که حدود ۲۴ درصد پاسخگویان با این گفته که طلاق باعث رهایی و آزادی فرد می‌شود، موافقت کرده‌اند. به علاوه، یافته‌ها نشان می‌دهد که حدود ۲۰ درصد پاسخگویان اعتقاد دارند که طلاق باعث بازگشت آرامش به فرد می‌شود. همچنین، تنها ۱۶ درصد موافق این قضیه بوده‌اند که طلاق موجب ساختن زندگی جدید خوب و شاد می‌شود. همچنین، حدود ۲۰ درصد پاسخگویان با این موضوع که طلاق باعث آزادی عمل و استقلال فردی می‌شود موافق هستند.

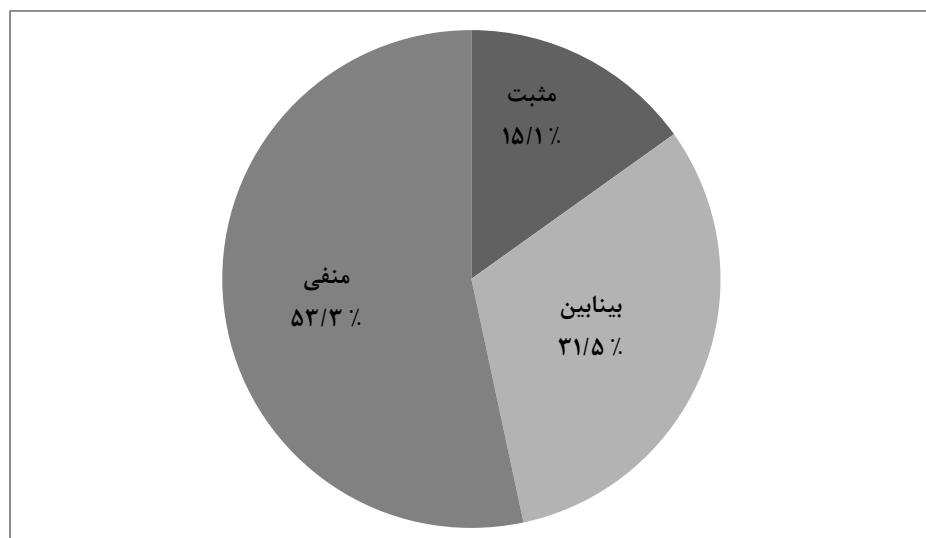
نتایج تحلیل عاملی ۱۶ گویه بیانگر دو عامل است: یکی، پیامدهای منفی طلاق را نشان می‌دهد که ۱۲ گویه روی آن بار شده است و دیگری، پیامدهای مثبت طلاق را نشان می‌دهد که ۴ گویه روی آن بار شده است. برای ساختن شاخص ترکیبی، نمره گویه‌های زیر مقیاس پیامدهای منفی برعکس شد و همانطور که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، در مجموع ۱۶ گویه حدود ۶۱ درصد واریانس شاخص نگرش و تصور از پیامدهای طلاق را تبیین می‌کنند.

جدول ۲: نتایج تحلیل عاملی گویه‌های تشکیل‌دهنده شاخص نگرش و تصور پیامدهای طلاق

شاخص تصور پیامدهای طلاق		بار عاملی (factor loading)		گویه
نمره عاملی (factor score)	بار عاملی (factor loading)	پیامدهای منفی	پیامدهای مثبت	
۰/۰۹۲	۰/۴۶۳		۰/۸۸۳	طلاق باعث ساختن زندگی جدید خوب و شاد می‌شود
۰/۰۸۴	۰/۴۲۶		۰/۸۶۰	طلاق باعث آزادی عمل و استقلال فردی می‌شود
۰/۰۸۳	۰/۴۲۲		۰/۸۵۸	طلاق باعث بازگشت آرامش به فرد می‌شود
۰/۰۶۵	۰/۳۳۰		۰/۷۸۸	طلاق باعث رهایی و آزاد شدن می‌شود
۰/۱۴۲	۰/۷۱۷	۰/۷۳۴		بعد از طلاق، افراد به لحاظ روحی و روانی آسیب پذیر می‌شوند
۰/۱۴۰	۰/۷۰۹	۰/۷۱۵		طلاق منجر به افزایش آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی می‌شود
۰/۱۳۴	۰/۶۷۵	۰/۷۰۱		برای فرد طلاق گرفته تهیه و تأمین مسکن مناسب مشکل است
۰/۱۲۵	۰/۶۳۳	۰/۶۹۳		طلاق باعث لطمه خوردن به آبروی خانوادگی می‌شود
۰/۱۳۵	۰/۶۸۲	۰/۶۸۱		بعد از طلاق، امنیت اجتماعی زنان در جامعه به خطر می‌افتد

۰/۱۲۷	۰/۶۴۰	۰/۰۶۷۴	بعد از طلاق مشکلات اقتصادی تأمین هزینه های زندگی بیشتر می شود
۰/۱۲۱	۰/۶۱۱	۰/۶۳۶	بعد از طلاق، افراد تنها و منزوی می شوند
۰/۱۲۵	۰/۶۳۴	۰/۶۳۵	طلاق آینده فرزندان را به مخاطره می اندازد
۰/۱۰۹	۰/۵۵۱	۰/۶۱۹	مردم نگاه و برخورد منفی و نامناسبی با افراد طلاق گرفته دارند
۰/۰۸۵	۰/۴۳۲	۰/۴۸۲	هر کسی به خودش اجازه می دهد به زن مطلقه پیشنهاد بی شرمانه دهد
۰/۰۷۵	۰/۳۸۰	۰/۴۲۶	بعد از طلاق، احتمال ازدواج مجدد خیلی کم است
۰/۰۹۲	۰/۴۶۸	۰/۴۲۵	هر چه طلاق بیشتر باشد، جامعه ناسالم تر خواهد بود
۶۱/۲		۴۹/۴	مقدار واریانس تبیین شده (%)
۰/۸۵۲			KMO

بدین ترتیب، همانطور که نمودار ۱ نشان می دهد توزیع تصور پاسخگویان از پیامدهای اجتماعی و زندگی بعد از طلاق نشان می دهد که ۱۵ درصد تصور و ارزیابی مثبت از پیامدها و زندگی بعد از طلاق دارند. در مقابل، ۵۳ درصد تصور و برداشت منفی از طلاق و پیامدهای آن در جامعه ایران دارند و حدود ۳۲ درصد نیز در وضعیت بینابین قرار دارند.



نمودار ۱: توزیع درصدی ارزیابی و تصور جوانان از پیامدهای اجتماعی و زندگی بعد از طلاق

- تمایل و گرایش به طلاق

در این بخش از مقاله، تمایل و گرایش جوانان دارای همسر به طلاق مورد بررسی قرار می‌گیرد. همانطور که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد حدود ۴۱ درصد پاسخگویان طلاق را یکی از مراحل زندگی می‌دانند که ممکن است روزی هم برای آنها اتفاق بیافتد. به علاوه ۱۸ درصد پاسخگویان طلاق را یک امر محتمل در زندگی خود می‌دانند.

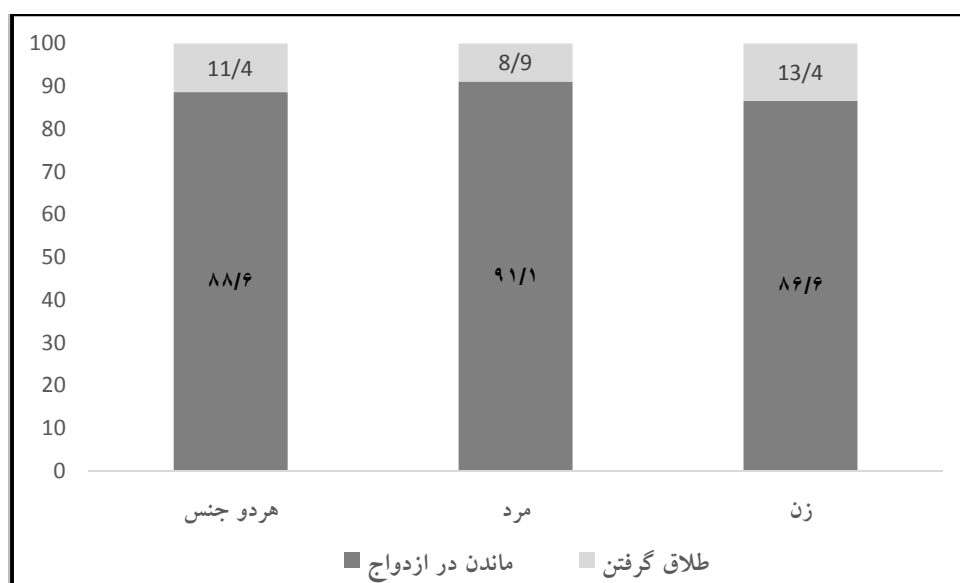
جدول ۳: توزیع درصدی نظرات جوانان پیرامون گویه‌های تمایل و گرایش به طلاق

تعداد نمونه	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	تمایل و گرایش به طلاق
۷۱۹	۲۲/۳	۱۵/۹	۲۱/۰	۲۳/۱	۱۷/۸	طلاق یک مرحله از زندگی است که برای من هم ممکن است روزی رخ دهد
۷۱۹	۳۰/۰	۳۰/۹	۲۱/۳	۱۲/۸	۵/۰	طلاق را یک امر محتمل در زندگی می‌دانم
۷۱۷	۳۲/۹	۳۲/۵	۱۷/۷	۱۰/۵	۶/۴	حتی اگر شده از حق و حقوقم هم بگذرم، روزی طلاق بگیرم
۷۱۶	۳۱/۴	۳/۶	۲۱/۲	۱۲/۷	۴/۱	حاضریم طلاق بگیرم، حتی اگر نتوانم دوباره ازدواج کنم
۷۱۷	۳۲/۹	۳۶/۰	۱۷/۲	۸/۵	۵/۴	حتی اگر والدینم مرا طرد کنند، باز هم طلاق بگیرم
۷۱۶	۴۱/۹	۳۳/۸	۱۵/۵	۶/۱	۲/۷	می‌خواهم طلاق بگیرم، حتی اگر شده از بچه‌هایم جدا شوم
۷۱۸	۳۵/۴	۳۱/۲	۱۷/۰	۹/۷	۶/۷	هیچ امیدی به درست شدن این زندگی ندارم و به طلاق فکر می‌کنم
۷۲۰	۵۸/۳	۲۱/۱	۹/۳	۶/۱	۵/۱	احساس می‌کنم ازدواجم اشتباه بوده و روزی از همسرم جدا می‌شوم
۷۱۹	۶۰/۶	۱۸/۹	۱۰/۷	۶/۵	۳/۲	احساس می‌کنم که اگر از همسرم جدا شوم، زندگی‌م بهتر خواهد شد
۷۱۹	۳۶/۹	۲۸/۴	۲۰/۲	۸/۶	۶/۰	اگر مجبور نبودم، حتی یک لحظه هم حاضر نبودم در این زندگی بمانم

همچنین، نزدیک ۱۷ درصد پاسخگویان اظهار کرده‌اند که حتی اگر شده از حق و حقوقشان بگذرند، حاضرند طلاق بگیرند. حدود ۱۷ درصد پاسخگویان نیز گفته‌اند حتی اگر ازدواج مجددی هم در کار نباشد، باز هم حاضرند طلاق بگیرند. حدود ۱۴ درصد نیز گفته‌اند حتی اگر والدینم مرا طرد کنند، حاضریم طلاق بگیرم. همچنین، ۱۶ درصد پاسخگویان گفته‌اند هیچ امیدی به درست شدن این زندگی ندارند و به طلاق دارند فکر می‌کنند. نکته قابل تأمل دیگر این است که حدود ۹ درصد پاسخگویان گفته‌اند با وجود جدایی از بچه‌هایشان، حاضرند اقدام به طلاق کنند.

به علاوه، یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که ۱۱ درصد جوانان متأهل مورد بررسی، ازدواج خود را اشتباه دانسته و بیان کرده‌اند بالاخره روزی از همسرشان جدا می‌شوند و طلاق می‌گیرند. همچنین، حدود ۱۰ درصد پاسخگویان گفته‌اند احساس می‌کنند اگر از همسرشان جدا شوند، زندگی‌شان بهتر خواهد شد. در

نهایت، حدود ۱۵ درصد پاسخگویان اجبار را دلیل ماندن با همسر خود و طلاق نگرفتن می‌دانند و بیان کرده‌اند اگر مجبور نبودند حتی یک لحظه هم حاضر نمی‌شدند که با همسرشان زندگی کنند. علاوه بر اینها، از جوانان مورد بررسی در مورد برنامه زندگی مشترک‌شان تا دو سال آینده سوال شد و اینکه در این ازدواج می‌مانند یا طلاق خواهند گرفت. همانطور که نمودار ۲ نشان می‌دهد حدود ۸۹ درصد جوانان نمونه مورد بررسی گفته‌اند که در این ازدواج می‌مانند و تنها ۱۱ درصد گفته‌اند که قطعاً طلاق خواهند گرفت. بین زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد؛ تنها ۹ درصد مردان گفته‌اند طلاق می‌گیرند در مقایسه ۱۳/۴ درصد زنان پاسخگو گفته‌اند که تا دو سال آینده طلاق خواهند گرفت.



نمودار ۲: برنامه زندگی جوانان متأهل مورد بررسی تا دو سال آینده (%).

بطور کلی، نتایج تحلیل عاملی گویه‌های تشکیل دهنده شاخص گرایش و تمایل به طلاق نشان می‌دهد که تعداد ۱۰ گویه مورد نظر روی یک عامل بارگذاری شده‌اند. همچنین، این گویه‌ها ۶۲ درصد واریانس این عامل را تبیین می‌کنند.

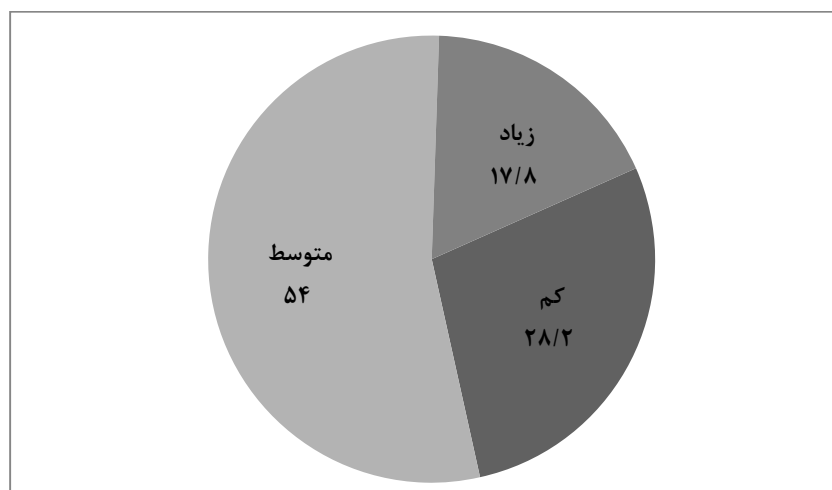
جدول ۴: نتایج تحلیل عاملی گویه‌های تشکیل دهنده شاخص گرایش و تمایل به طلاق

نمره عاملی (factor score)	بار عاملی (factor loading)	گویه
۰/۱۴۲	۰/۸۸۰	حتی اگر والدینم مرا طرد کنند، باز هم طلاق بگیرم
۰/۱۳۶	۰/۸۴۴	حتی اگر شده از حق و حقوقم هم بگذرم، روزی طلاق بگیرم
۰/۱۳۳	۰/۸۲۱	طلاق را یک امر محتمل در زندگی می‌دانم
۰/۱۳۲	۰/۸۱۸	حاضر م طلاق بگیرم، حتی اگر نتوانم دوباره ازدواج کنم
۰/۱۲۹	۰/۸۰۲	هیچ امیدی به درست شدن این زندگی ندارم و به طلاق فکر می‌کنم

۰/۱۲۸	۰/۷۹۱	می خواهم طلاق بگیرم، حتی اگر شده از بچه‌هایم جدا شوم
۰/۱۲۴	۰/۷۷۰	احساس می‌کنم ازدواجم اشتباه بوده و روزی از همسرم جدا می‌شوم
۰/۱۲۳	۰/۷۶۱	احساس می‌کنم که اگر از همسرم جدا شوم، زندگیم بهتر خواهد شد
۰/۱۲۲	۰/۷۵۴	طلاق یک مرحله از زندگی است که برای من هم ممکن روزی رخ دهد
۰/۱۰۲	۰/۵۹۵	اگر مجبور نبودم حتی یک لحظه هم حاضر نبودم در این زندگی بمانم
۶۱/۹		مقدار واریانس تبیین شده (%)
۰/۹۱		KMO

با توجه به نتایج تحلیل عاملی و نمره عاملی به دست آمده شاخص، میزان تمایل و گرایش به طلاق در سه گروه طبقه‌بندی شد که نتایج آن در نمودار ۳ ارائه شده است. بر این اساس، ۲۸ درصد تمایل و گرایش کم و حدود ۱۸ درصد تمایل و گرایش زیادی به طلاق داشته‌اند. همچنین، ۵۴ درصد در این باره وضعیت متوسط و بینابینی داشته‌اند.

نمودار ۳: میزان گرایش و تمایل جوانان مورد بررسی به طلاق (%)



#### • تأثیر تصور جوانان از پیامدهای طلاق بر تمایل آنها به طلاق

اینکه افراد چه برداشت و تصویری از پیامدهای طلاق دارند- آیا تصویری مثبت یا منفی دارند- ممکن است تمایل آنها به طلاق را تحت تأثیر قرار دهد. این موضوع با استفاده از آزمون‌های آماری دو متغیره و چندمتغیره بررسی و نتایج آن در زیر ارائه می‌شود.

#### نتایج تحلیل دو متغیره

نتایج تحلیل دو متغیره (جدول ۵) نشان داد افرادی که تصویری مثبت از پیامدها و زندگی بعد از طلاق دارند، گرایش و تمایل زیادی به طلاق نشان می دهند. در مقایسه، آنهایی که تصور منفی نسبت به پیامدهای طلاق دارند، تمایل کمی به طلاق از خود بروز می دهند.

جدول ۵: نتایج تحلیل دو متغیره رابطه تصور از پیامدهای طلاق با تمایل به طلاق

میزان گرایش و تمایل به طلاق				مقوله‌ها	متغیر
زیاد	متوسط	کم	نمره شاخص		
۲۸/۴	۶۰/۶	۱۱/۰	۵۵/۱	مثبت	تصور
۲۵/۱	۵۹/۹	۱۵/۰	۵۲/۹	بینابین	پیامدهای
۱۰/۴	۴۸/۷	۴۰/۹	۴۶/۸	منفی	طلاق
$X^2=77.29$ Sig.=0.001			F49.45 Sig.=0.001	آزمون آماری	
$r=-0.425$ Sig.=0.001			ضریب همبستگی نمره شاخص تصور منفی از طلاق با نمره شاخص تمایل به طلاق		

نکته: نمره بالاتر به معنای تصور منفی‌تر به پیامدهای طلاق است.

به علاوه، رابطه منفی و معناداری بین میزان تصور از پیامدهای منفی طلاق و تمایل به طلاق وجود دارد. از این رو، هر چه افراد تصور منفی از پیامدهای طلاق داشته باشند، تمایل کمتری به طلاق خواهند داشت.

### نتایج تحلیل چندمتغیره

نتایج تحلیل دو متغیره بیانگر رابطه منفی و معنادار تصور از پیامدهای منفی طلاق و تمایل به طلاق است. باید توجه داشت که نتایج تحلیل دو متغیره فقط نوعی تحلیل ناخالص، بدون کنترل اثرات سایر متغیرها، ارائه می کند و در نتیجه صرفاً اتکا به نتایج آن‌ها موجب تفسیر نادرست از روابط می شود. بر این اساس از آزمون تحلیل رگرسیون چندمتغیری به تحلیل اثرات تصور از پیامدهای طلاق بر تمایل به طلاق با کنترل متغیرهای جمعیتی اثرگذار پرداختیم که نتایج آن در قالب دو مدل در جدول ۶ مشخص شده است.

جدول ۶: نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیری از تأثیر تصور از پیامدهای طلاق بر تمایل به طلاق

مدل ۲		مدل ۱		متغیرهای مستقل
Sig.	Beta	Sig.	Beta	
۰/۰۰۱	-۰/۳۴۹	۰/۰۰۱	-۰/۴۲۵	تصور از پیامدهای منفی طلاق
۰/۹۰۲	-۰/۰۰۵			سن
۰/۰۲۰	-۰/۱۰۲			جنسیت (زن به عنوان گروه مرجع)
۰/۶۹۳	۰/۰۱۶			طول مدت ازدواج
۰/۶۴۷	-۰/۰۱۸			فرزند (نداشتن فرزند به عنوان گروه مرجع)



۰/۷۳۴	-۰/۰۱۳		میزان تحصیلات
۰/۰۰۱	-۰/۱۷۵		وضعیت اشتغال (غیرشاغل به عنوان گروه مرجع)
۰/۰۰۶	-۰/۱۰۷		نمره شاخص پایگاه اقتصادی - اجتماعی
۰/۰۰۱	-۰/۲۷۹		نمره شاخص میزان دینداری
۰/۵۶۷		۰/۴۲۵	R
٪ ۳۲/۱		٪ ۱۸/۱	ضریب تعیین (R <sup>2</sup> )
۳۱/۷۶ (۰/۰۰۱)		۱۵۸/۶ (۰/۰۰۱)	F (Sig.)

همان طور که در جدول ۶ مشخص است، در مدل ۱ میزان تصور از پیامدهای منفی، تأثیر منفی و معناداری بر میزان تمایل به طلاق دارد. این تأثیر در مدل ۲ هرچند اندکی کاهش داشته، اما همچنان از اثر قوی و معنادار برخوردار است. از این رو، هر چه تصور از پیامدها و زندگی بعد از طلاق منفی تر باشد، میزان تمایل افراد به طلاق کاهش می‌یابد. در مدل ۲، علاوه بر شاخص تصور از پیامدهای منفی طلاق، متغیرهایی نظیر میزان دینداری، وضعیت اشتغال، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و جنسیت تأثیر معناداری بر میزان تمایل به طلاق داشته‌اند. بطور کلی، این متغیرها حدود یک سوم واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند و در این میان، تأثیر میزان تصور از پیامدها و زندگی بعد از طلاق قوی تر از سایر متغیرها بوده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

طلاق پایان همه ماجرا نیستو پس از طلاق، خواه ناخواه و آگاهانه و ناآگاهانه، جوانب و ابعاد مختلف زندگی فرد و اعضای خانواده تحت تأثیر قرار می‌گیرد و شرایط زمینه‌ای نیز بر این موضوع اثر می‌گذارد (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۳). طلاق، ابعاد مختلف سلامتی، بهزیستن روانشناختی و همچنین زندگی اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (لیوپلد، ۲۰۱۶). طلاق، دارای آثار و پیامدهای گسترده اقتصادی، اجتماعی، و روانی، بر مردان و زنان مطلقه، فرزندان طلاق، شبکه خویشاوندی، اجتماع محلی و جامعه است. بنابراین، طلاق پایان زندگی مشترک است، نه پایان زندگی. از این رو، در مطالعات طلاق باید زندگی بعد از طلاق و پیامدهای طلاق مورد کندوکاو و بررسی قرار داد.

آثار و پیامدهای طلاق می‌تواند ناشی از شرایط پیرامونی و داغ ننگ طلاق باشد. از سوی دیگر، پیامدهای طلاق و ارزیابی افراد از زندگی‌های بعد از طلاق می‌تواند نگرش و گرایش جوانان به طلاق را تحت تأثیر قرار دهد. در این راستا، با استفاده از داده‌های گردآوری شده در پیمایش نمونه‌ای در میان جوانان متأهل شهر تهران، این فرضیه مطرح و مورد آزمون قرار گرفت: هرچه تصور منفی از پیامدهای طلاق وجود داشته

باشد، نگرش و گرایش به طلاق کمتر خواهد بود و در مقابل، تصور مثبت از پیامدهای طلاق، تمایل به طلاق را افزایش می‌دهد.

یافته‌های توصیفی مقاله نشان داد که ۱۵ درصد جوانان مورد بررسی، تصور و ارزیابی مثبت از پیامدها و زندگی بعد از طلاق دارند. در مقابل ۵۳ درصد تصور و برداشت منفی از طلاق و پیامدهای آن در جامعه ایران دارند و حدود ۳۲ درصد نیز در وضعیت بینابین قرار دارند. همچنین، نتایج نشان داد که ۲۸ درصد تمایل و گرایش کم و در مقابل حدود ۱۸ درصد تمایل و گرایش زیادی به طلاق داشته‌اند. همچنین ۵۴ درصد در این مورد در وضعیت متوسط و بینابینی قرار دارند. نتایج تحلیل دو متغیره بیانگر رابطه منفی و معنادار بین میزان تصور از پیامدهای منفی طلاق و تمایل به طلاق است. از این رو، افرادی که تصویری مثبت از پیامدها و زندگی بعد از طلاق دارند، گرایش و تمایل زیادی به طلاق دارند. در مقایسه، آنهایی که تصور منفی نسبت به پیامدهای طلاق دارند، تمایل کمی به طلاق دارند.

آزمون رگرسیون چندمتغیری در دو مدل اجرا شد و نتایج آن نشان داد که در مدل ۱ میزان تصور از پیامدهای منفی تأثیر منفی و معنادار بر میزان تمایل به طلاق دارد. این تأثیر در مدل ۲ هرچند اندکی کاهش داشته، اما همچنان اثر آن قوی و معنادار است. از این رو، هر چه تصور از پیامدها و زندگی بعد از طلاق منفی‌تر باشد، میزان تمایل افراد به طلاق کاهش می‌یابد. در مدل ۲، علاوه بر شاخص تصور از پیامدهای منفی طلاق، متغیرهایی نظیر میزان دینداری، وضعیت اشتغال، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و جنسیت تأثیر معناداری بر میزان تمایل به طلاق داشته‌اند. بطور کلی، این متغیرها حدود یک سوم واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند و در این میان، تأثیر میزان تصور از پیامدها و زندگی بعد از طلاق قویتر از سایر متغیرها بوده است.

از این رو، تصور پیامدهای اجتماعی طلاق و زندگی بعد از طلاق، یکی از بسترهای مهم شکل‌گیری نگرش و تمایل افراد به طلاق است. پیامدهای طلاق از نظر برخی بسیار ناگوار و از نظر برخی دیگر چندان هم ناگوار نیست. این تصور گرایش هر فرد را به طلاق، متفاوت از دیگری تعیین می‌کند (فاتحی دهاقانی و نظری، ۱۳۸۹). گسترش نگرش‌های منفی به طلاق در جامعه منجر به داغ‌ننگ و بدنامی مطلقه‌ها می‌شود (کالمیجن و یونک، ۲۰۰۷). بدین ترتیب، پیامدهای طلاق، نگرش افراد به طلاق را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تمایل افراد به طلاق مرتبط با ارزیابی آنها از پیامدهای طلاق است (آماتو و بوث، ۱۹۹۱؛ ریجکن و لیفبرور، ۲۰۱۲).

بدین ترتیب، درک ارزیابی جوانان از پیامدهای اجتماعی طلاق و سنجش تمایل و گرایش آنها به طلاق می تواند روزنه و زوایای جدیدی از روند افزایشی طلاق و بسترهای آن را فراروی محققان و سیاستگذاران بگشاید.

بر اساس نتایج پژوهش، پیشنهاد می شود که پیامدهای طلاق به جوانان آموزش داده شود تا در امر ازدواج و حتی طلاق آگاهانه و با درک تمام شرایط تصمیم بگیرند. بی تردید، آگاه‌سازی جوانان نسبت به پیامدهای طلاق و مسائل و مشکلات بعد از طلاق می تواند در کاهش تمایل آنها به طلاق اثرگذار باشد.

## منابع

- اخوان تفتی، مهناز. (۱۳۸۲). "پیامدهای طلاق در گذر از مراحل آن". مطالعات زنان. سال اول، شماره ۳، صص ۱۵۱-۱۲۶.
- حبیب‌پور گتایی، کرم و نازک تبار، حسین. (۱۳۹۰). "عوامل طلاق در استان مازندران". مطالعات راهبردی زنان. سال چهاردهم، شماره ۵۳، صص ۱۲۷-۸۷.
- ریاحی، محمد اسماعیل؛ علیوردی نیا، اکبر و بهرامی کاکاوند، سیاوش. (۱۳۸۶). "تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق: مطالعه موردی شهر کرمانشاه". فصلنامه پژوهش زنان. دوره ۵، شماره ۳، صص ۱۴۰-۱۰۹.
- زارعی، فاطمه؛ صلحی، مهناز؛ تقدیسی، محمدحسین؛ کمالی، محمد؛ شجاعی‌زاده، داود؛ نجات، سحرناز و مرقاتی‌خویی، عفت‌السادات. (۱۳۹۳). "درک تجارب پس از طلاق در زنان: یک پژوهش کیفی". مجله علوم پزشکی رازی. دوره ۲۱، شماره ۱۲۴.
- سفیری، خدیجه و محرمی، معصومه. (۱۳۸۸). "بررسی پیوند ناهم‌سان همسری فرهنگی با میزان اختلافات زناشویی". فصلنامه مطالعات زنان. شماره ۲۱، صص ۳۱-۵۱.
- شیخی، خالد؛ خسروی، جمال؛ غریبی، حسن؛ قلی‌زاده، زلیخا و حسین‌زاده، میکائیل. (۱۳۹۰). "درک معنایی طلاق و کشف پیامدهای مثبت آن: مطالعه کیفی". فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده. شماره ۱، صص ۷۷-۶۴.
- صادقی، رسول. (۱۳۹۵). "عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر طلاق جوانان در ایران". فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. شماره ۳۲، صص ۲۰۵-۱۸۹.
- فاتحی‌دهاقانی، ابوالقاسم و نظری، علی محمد. (۱۳۸۹). "تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان". فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی. شماره ۲۵، صص ۵۴-۱۳.
- کاوه، محمد. (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان
- کلانتری، عبدالحسین؛ روشنفکر، پیام و جواهری، جلوه. (۱۳۹۰). "آثار و پیامدهای طلاق: مرور نظام‌مند تحقیقات انجام شده در ایران با تاکید بر ملاحظات جنسیتی". فصلنامه زن در توسعه و سیاست. دوره ۹، شماره ۳، صص ۱۳۱-۱۱۱.
- محمدپور، احمد؛ رضایی، مهدی؛ پرتوی، لطیف و صادقی، رسول. (۱۳۸۸). "بازسازی معنایی تغییرات خانواده به شیوه نظریه زمینه‌ای (مطالعه موردی: ایلات منگور و گورک)". فصلنامه خانواده‌پژوهی. دوره ۵، شماره ۳، صص ۳۳۰-۳۰۹.

- Amato, P. R. (1994). **"The Impact of Divorce on Men and Women in India and the United States"**. *Journal of Comparative Family Studies*, 25(2): 207–21.
- Amato, P.R. and Booth, A. (1991). **"The Consequences of Divorce for Attitudes toward Divorce and Gender Roles"**. *Journal of Family Issues*, 12(3): 306-322.
- Good, W. (1963). **World Revolution and Family Patterns**. London: Free Press of Glencoe.
- Guest, P. (1992). **"Marital Dissolution and Development in Indonesia"**. *Journal of Comparative Family Studies*, 23, 95–113.
- Heaton, T. B., M. Cammack and Young, L. (2001). **"Why is the Divorce Rate Declining in Indonesia?"** *Journal of Marriage and Family*, 63: 480–490.
- Jones, G. W. (1997). **"Modernization and Divorce in Islamic Southeast Asia and the West"**. *Population and Development Review*, 23: 95–114.
- Kalmijn, M. and Uunk, W. (2007). **"Regional Value Differences in Europe and The Social Consequences of Divorce: A Test of The Stigmatization Hypothesis"**. *Social Science Research* 36(2): 447-468.
- Leopold, T. (2016). **"Gender Differences in the Consequences of Divorce: A Multiple-Outcome Comparison of Former Spouses"**. SOEP paper, No. 841.
- Lorenz, O.F. & Wickrama, S., K A. & Conger, D.R. & Elder, H.G. (2006). **"The Short-Term and Decade-Long Effects of Divorce on Women's Midlife Health"**. *Journal of Health and Social Behavior*, 47(2):111.
- Rijken, A. J., and Liefbroer, A.C. (2012). **"European Views of Divorce among Parents of Young Children: Understanding Cross-National Variation"**. *Demographic Research*, 27, Pp. 25-52.
- Sadeghi, R., and Agadjanian, V. (2017). **"Changing Attitudes toward Divorce in Iran: The Effects of Modernization and Ideational Shifts"**. Presented at the 2017 Annual Meeting of Population Association of America, 27-29 April, Chicago, IL, United States of America.
- Sandfield, A. (2006). **"Talking Divorce: The Role of Divorce in Women Constructions of Relationship Status"**. *Feminism Psychology*, 16 (2): 155-173.
- Thornton, A. (2001). **"The Developmental Paradigm, Reading History Sideways and Family Change"**. *Demography*, 38(4): 449-465.
- Thornton, A. (2004). **Reading History Sideways: The Fallacy and Enduring Impact of the Developmental Paradigm on Family Life**. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Thornton, A., and Lin, H.S. (1994). **Social Change and the Family in Taiwan**. Chicago: University of Chicago Press.

# **Youth's Assessment of the Consequences of Divorce and its Effects on Tendency to Divorce in Tehran City**

**Rasoul Sadeghi**

Associate Professor, Demography Department, University of Tehran and Researcher in National Institute of Population Research (NIPR)

*Received:27 Aug. 2017*

*Accepted:17 Oct. 2017*

The consequences of divorce and the assessment of life after divorce can affect the tendency of young people to divorce. In this regard, the article examines this hypothesis; the positive assessment of the consequences of divorce, the tendency of young people to divorce will be increase. The data is drawn from a survey of 720 married people aged 15-29 conducted in the city of Tehran in 2014. The results showed that about 18 percent of married young people tend to divorce. Most of them had a positive assessment of the consequences and life after divorce. Multivariate analysis indicated that in addition to the negative perception of the consequences of divorce, variables such as religiosity, employment status, SES, and gender had significant effects on the degree of tendency to divorce. In general, these variables account for about one-third of the variance of dependent variable, and the effect of the perceived level of consequences and life after divorce has been stronger than other variables. In conclusion, youth's perceptions of the consequences and life after divorce strongly affect their decision to divorce.

**Key words:** Negative Consequences of Divorce, Positive Consequences of Divorce, Social Pathology, Tendency to Divorce and Youth